

بسم الله الرحمن الرحيم

## هدایات شرعی و سیاسی هجرت نبوی

(ترجمه)

هجرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تولد یک امت بود. هجرت یک رویداد بزرگ است که امتی را از خارج تاریخ فرستاد تا تاج و تخت‌ها را سرنگون کند، امپراتوری‌ها را نابود سازد، بر جهان حکومت نموده و رحمت و عدالت را گسترش دهد.

دعوت با هدف مشخص و بینش مسیر خود آغاز به حرکت کرد:

- دعوت جهانی:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ [سوره سبأ، آیه 28]

ترجمه: ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم‌دهنده (کافران به

شقاوت سرمدی) باشی.

- دعوتی که بر تمام ادیان غالب بوده و تمام شریعت‌ها را منسوخ می‌سازد، تاج و تخت‌ها را به لرزه در می‌آورد و طواغیت زمان را نابود می‌سازد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [سوره توبه، آیه 33]

ترجمه: الله است که پیامبر خود (محمد) را همراه با هدایت و دین راستین (به میان مردم) روانه کرده است تا این آئین

(کامل و شامل) را بر همه آئین‌ها پیروز گرداند (و به منصفه ظهورش رساند) هرچند که مشرکان نپسندند.

- دعوتی که مورد پسند پادشاهان نیست:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا﴾ [سوره بقره، آیه 217]

ترجمه: (مشرکان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند.

پس هر امتی که رسالت خود را نشناسد و دشمن خود را مشخص نکند، در وادی سقوط خواهد که برایش آرامش نیست.

- دعوتی که هدف اساسی آن تأسیس خلافتی است که تاج فرایض می‌باشد.

- دولتی که اسلام را تطبیق می‌کند و رسالت آن را با دعوت و جهاد حمل می‌نماید، دین را حراست و دنیا را با شریعت پروردگار جهانیان سیاست می‌کند.

- دولت بدون قوت اقامه نمی‌گردد.

- قوت نیز همان قوت ذاتی است که توسط طلب نصرت از اهل قوت و قدرت (با بیعت از اهل حل و عقد) گرفته می‌شود.

- طلب نصرت از جمله اعمال نبی کریم صلی الله علیه وسلم است که به تواتر ثابت است و پیامبر صلی الله علیه و سلم با وجود آزار و اذیت‌های فراوان آن را تکرار کردند.

- بیعت بر قتال با مردم سرخ و سیاه صورت می‌گیرد.

بنابر این قریش متقاعد شدند که بیعت، اعلام تأسیس دولت است و تأسیس دولت به معنای سقوط حاکمیت قریش و از بین رفتن سیادت آن است، چنان که هرقل هنگام دریافت نامه از رسول الله صلی الله علیه و سلم یقین کرد که پیامبر صلی الله

علیه وسلم به زودی زمین زیر پاهایش را تصاحب خواهد، بنابراین قریش تصمیم گرفتند که او را بکشند و برای هر که او را بکشد، پاداش بزرگی تعیین نمودند.

هجرت آغاز شد:

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم رهسپار مدینه شد و سراقه به او رسید؛ به این امید که برندهٔ جایزهٔ قریش شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم به او گفتند: برگرد ای سراقه! و دستبند کسری از تو باشد و این یعنی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به زودی دولتی تأسیس خواهد کرد که پادشاهی کسری را نابود کرده و دستبندهای او را به سراقه بخشش نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مدینه فرود آمد و تشکیل دولت را اعلام کرد و قانون اساسی آن را وضع نمود و روابط آن را بین خود مسلمانان، بین مسلمانان و دیگر ساکنان آن از اهل ذمه و روابط آن‌ها را با سایر ملل تنظیم کرد.

با تأسیس دولت، جهان به دو اردوگاه و دو دار تقسیم شد که سومی نداشت، دار اسلام و دار کفر و جنگ. دار اسلام برای سلطان امت است و سیادت از آن الله و شریعت اوست که بر روابط داخلی و خارجی آن حاکم می‌باشد. دار کفر و جنگ که سیادت در آن از آن طاغوت و تشریح در آن برای انسان است.

وصف دارالاسلام و دارالکفر وصفی برای مردم نیست، بلکه وصف نظام حاکم است؛ زیرا مکه دار کفر بود؛ باوجودی که رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران بزرگوارش در آن بودند. مدینه دار اسلام گردید در حالی که مشرکان و یهودیان در آن وجود داشتند.

هجرت نه فراری بود برای نجات جان، نه پناهندگی و نه دوری و درخواستی برای امرار معاش و بهبود درآمد؛ بلکه هجرت برای یک هدف بزرگ بود؛ دولتی که امتی را از خارج تاریخ فرستاد تا همان تاریخ را بنویسد و بهترین امتی باشد که برای مردم بیرون کرده شده است. تصادفی نیست که صحابه، هجرت را سرآغاز تاریخ یک امت بزرگ قرار دادند؛ زیرا هجرت به طور مطلق، برجسته‌ترین رویداد سیاسی در تاریخ اسلام و مسلمین است. قبل از آن مسلمانان نه دولت، نه موجودیت و نه تاریخ داشتند.

اسلام اقامه نمی‌شود و احکام آن بدون دولت اجرا نمی‌گردد و گرنه افکاری در شکم کتاب‌ها و در سر فقها بدون واقعیت می‌ماند. اسلام نه دین کشیشی است و نه اندیشه‌ای زیبا در شکم کتاب‌هاست که زینت بخش ادارات و جنبش دادن به احساسات باشد، بلکه اسلام دینی است که حکومتی از آن نشأت گرفته و سبکی متمایز از زندگی بوده و رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را ملزم ساخته است که از نظام آن منحرف نشویم.

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ فَيَكْتُمُونَ، فَفُؤَا بَبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَالْأَوَّلِ، ثُمَّ أُعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ، وَأَسْأَلُوا اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ»

ترجمه: بنی اسرائیل را پیامبران رهبری می‌کردند، هرگاه پیامبری فوت می‌کرد پیامبری دیگر جانشین او می‌شد، ولی بعد از من پیامبری نخواهد آمد؛ البته بعد از من خلفای بسیاری می‌آیند، شما به ترتیب با هرکسی که بیعت کردید، به بیعت خود وفا کنید و سپس حق آن‌ها را به جای آورید و حق تان را از الله (سبحانه و تعالی) بخواهید زیرا الله (سبحانه و تعالی) ایشان را در بارهٔ زیردستان و حقوق آن‌ها بازخواست خواهد کرد.

دولت دوام پیدا کرد و مسلمانان از زمان سیدنا ابوبکر تا زمان آخرین خلیفه عثمانی از آن حفاظت نمودند.

دولتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم تأسیس کرد، به دست کفار و خائنان اعراب و ترک‌ها ویران شد، قانون الله سبحانه و تعالی به حالت تعطیل درآمد، مسلمانان تحت حاکمیت نظام‌های کفر قرار گرفتند و کلام الله سبحانه و تعالی در مورد آنان تحقق یافت.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً...﴾ [سوره طه، آیه 24]

**ترجمه:** و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد داشت.

دنیا بر ما تنگ شد و کفر در یک جنگ وحشیانه‌ی جهانی بدون اخلاق و دین، هم‌چون خورندگان سر کاسه بر ما جمع شدند و راه نجاتی جز خلافت وجود ندارد. زیرا این سبب شکوه ماست، قانون پروردگاران را حاکم می‌کند، با آن دنیا را رهبری نمودیم، سرزمین‌ها را فتح کردیم و دین را گسترش دادیم و رحمت عام گردید. توسط آن سرزمین‌های خود را از غاصبان آن باز پس می‌گیریم و خائنان و مزدوران غرب و هم‌دستان آن را که عهدشکنی نموده و در امانت خیانت کردند و امت را ضایع ساختند، بیرون خواهیم کرد. توسط آن استعمارگران اشغالگر و کفار محارب را دور خواهیم انداخت و دو باره توسط حاکمیت این دین با عزت خواهیم شد.

پس ای اهل قوت و قدرت و ای افسران و سربازان ما، آیا آرزوی روزی مانند روز هجرت را ندارید؛ روزی که الله سبحانه و تعالی دین خود را توسط شما گرامی دارد و دشمن خود را بزبون سازد؛ سپس شما را در زمره اولیای خود یاد نموده و زمان با تمام عظمتش از شما یادآوری کند؟! پس انصار الله سبحانه و تعالی باشید و دین و امت خود را نصرت دهید تا شما و دشمنان آن در یک صف در برابر آن نباشید.

هجرت یادآوری سرگرم‌کننده نیست؛ بلکه خاطره‌ی یک واقعه بزرگ و یادآور فریضه‌ای است که تاج فریضه‌هاست و همه در برابر آن پاسخگو هستیم.

ای مسلمانان، آنچه که درک آن در یادبود از هجرت لازم است، این که مسلمانان باید از پیامبرشان صلی الله علیه وسلم الگو بگیرند و حکومت اسلامی را آن گونه که او تأسیس کرده است، با اعتماد به وعده الله سبحانه و تعالی که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ [سوره نور، آیه 55]

**ترجمه:** الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). هم‌چنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت و نیز خوف و هراس آنان را

به امنیّت و آرامش مبدّل می‌سازد(آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند.

با شادمانی به بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم برپا کنند:

«ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ»

ترجمه: سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

ای بار الها، ما را از جمله لشکر و شاهدان آن و دعوتگران مخلص آن قرار بده!

نویسنده: شیخ سعید رضوان

برگرفته از شماره 457 جریده الرایه

مترجم: احمد صادق امین